



Scientific Journal Quarterly of Middle East Studies

Vol 30. No 2. Summer 2023

Received date: 2023.03.17

Acceptance date: 2023.07.19



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک و خاورمیانه

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: 20.1001.1.15601986.1402.30.2.10.5

Identifying the driving factors in the foreign relations of Iran and Saudi Arabia (1390-1400)

Hosein Nafisi Rad,^۱ Mohamad Ali Khosravi,^۲ Hojatollah Darvishpour^۳



Abstract

The subject of this research is the study and investigation of the effective factors in the policy making of the diplomatic system of the Islamic Republic of Iran in the occurrence of disputes between Iran and Saudi Arabia in the 90s (last decade) based on the Jones policy model. In this research work, the researcher tried to answer the present question about the effective factors in the strategies of the Islamic Republic of Iran's diplomacy towards Saudi Arabia in the 1990s, and the purpose of this research is to investigate the influencing factors in Iran's diplomacy towards Saudi Arabia. The researcher mainly tries to investigate the key factors, in other words, the driving forces affecting the tension-causing stimuli, from two aspects, i.e. referring to documents, and interviewing experts in this field, or political science, using and getting help from the phenomenological method and a lot of experience of specialists to achieve key indicators. The focus of this research is to understand tension making factors from two references. First: The dominant model and intellectual and cultural framework governing the political behavior and diplomacy of Iran, both from the external and internal aspects. And second: the behavioral atmosphere and pattern of Saudi Arabia's political thinking during the time interval between the Ahmadinejad and Rouhani governments in the 90s. The research method in this research is the explanatory method, a description that tries to explain and interpret the subject under discussion with the help of the phenomenological method (Collaizi method). Based on the fame and popularity of this research, this hypothesis comes to mind that influential factors in Iran's diplomatic system in issues such as Iran's regional influence, influence on the resistance front is explained, described and evaluated based on Saudi Arabia's focus and attention on America's points of view about Iran. The results of the research have shown that in relation to the factors affecting the policy making of the diplomatic system in the occurrence of disputes between Iran and Saudi Arabia in the 1990s, not only the political behavior of Iran, but also the occurrence of regional and global events and the dominant political thinking, especially on the part of Saudi Arabia, have not been unaffected.

Keywords: Proximity, Distance, Foreign Policy, Policy Making, Iran-Saudi Disputes, International Relations, Iran-Saudi Relations, Iran-Saudi Disputes, Republic Diplomacy.

^۱ Ph.D. Student of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

^۲ Assistant Professor, Department of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

^۳ Assistant Professor of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه

سال ۳۰، شماره ۲، پیاپی (۱۱۲)، تابستان ۱۴۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۸

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: ۲۰,۱۰۰۱,۱,۱۵۶۰۱۹۸۶,۱۴۰۲,۳۰,۲,۱۰,۵

نوع مقاله: پژوهشی

شناسایی عوامل پیشران در مناسبات خارجی ایران و عربستان (۱۳۹۰-۱۴۰۰)^۱

حسین نفیسی راد^۲، محمدعلی خسروی^۳، حجت‌الله درویش‌پور^۴



چکیده

موضوع پژوهش حاضر، شناسایی عوامل پیشران در مناسبات خارجی ایران و عربستان در دهه ۹۰ می‌باشد که بر اساس نظریه واگرایی و با استفاده از مدل سیاست‌گذاری جونز مورد بررسی قرار گرفته است. پژوهشگر قصد دارد به این پرسش پاسخ دهد که عوامل پیشران در مناسبات خارجی ایران و عربستان در بازه زمانی ۱۳۹۰-۱۴۰۰ چه بوده است؟ هدف محوری این پژوهش، تبیین نقش هر یک از عوامل تاثیرگذار در این خصوص بوده و محقق سعی دارد تا به عوامل کلیدی و به عبارتی پیشران‌های موثر بر محرک‌های تنش‌زا، از دو منظر، یعنی مراجعه به اسناد و مدارک و همچنین مصاحبه با کارشناسان حوزه علوم سیاسی را مورد بررسی قرار دهد تا به کمک روش پدیدارشناسی و تجربه زیسته متخصصان، به نشانگرهای کلیدی دست یابد. تمرکز این پژوهش برای شناخت عوامل تنش‌زا بر دو مرجع اصلی تاکید دارد. اول: پارادایم حاکم بر رفتار سیاسی و دیپلماسی کشور ایران چه از منظر درونی و چه از منظر بیرونی و دوم: فضای رفتاری و الگوی چینش تفکرات سیاسی عربستان سعودی در منطقه در بازه زمانی دولت احمدی‌نژاد و دولت روحانی در دهه ۹۰ شمسی می‌باشد. روش تحقیق در این پژوهش، روش آمیخته (کیفی - کمی) است که گردآوری داده‌ها به روش کیفی از مصاحبه با خبرگان انجام و تحلیل داده‌ها با روش پدیدارشناسی (کلازی) و بر اساس نرم‌افزار میک‌مک کمی‌سازی شده است. بر اساس مسئله پژوهش، این فرضیه در ذهن تداعی می‌شود که این عوامل در دستگاه دیپلماسی ایران در مقولاتی همچون نفوذ منطقه‌ای ایران، تاثیر در جبهه مقاومت و نگاه عربستان از دریچه آمریکا به ایران قابل تبیین و ارزیابی است. نتایج پژوهش نشان داده است که عوامل پیشران در مناسبات خارجی ایران و عربستان، نه تنها رفتار سیاسی ایران، بلکه وقوع رویدادهای منطقه‌ای و جهانی و تفکرات سیاسی حاکم به‌خصوص از جانب عربستان نیز بی‌تاثیر نبوده است.

واژگان کلیدی: روابط بین‌الملل، مناسبات ایران و عربستان، دستگاه سیاست خارجی، سیاست‌گذاری، همگرایی، واگرایی.

۱ - این مقاله مستخرج از پایان‌نامه دکتری می‌باشد.

۲ - دانشجوی دکتری رشته علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. radamin60@yahoo.com

۳ - (نویسنده مسئول)، استادیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. malikhosravi@gmail.com

۴ - استادیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۱. مقدمه

دو کشور جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی دو حکومت اثرگذار با ظرفیت‌ها و ویژگی‌های خاص خود در غرب آسیا و مخصوصاً خلیج فارس می‌باشند که هر یک به سهم خود نقشی مهم در تحولات و تصمیمات فی ما بین کشورها در این منطقه حساس دارند. متأسفانه در دهه نود بنا بر دلایل مختلفی این رابطه به حداقل و بعضاً قطع رابطه کشیده شده که به تازگی در حال مذاکره جهت برقراری رابطه مجدد می‌باشند. این دو کشور در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی بر اساس ساختار حاکم بر نظام جهانی به‌عنوان دو متحد همسو و تحت تاثیر دکتترین دو ستونی نیکسون عمل می‌کرده‌اند که با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ شاهد تحولات زیادی در روابط آنها بوده که نه تنها از اهمیت روابط این دو کشور نکاسته است، بلکه روابط آنها را با پیچیدگی زیادی همراه ساخته و ابعاد جدیدی به خود گرفته و اکثراً مناقشه و تنش در روابط دو کشور حاکم گردیده است. در واقع یکی از دلایل آن تقابل ایدئولوژی انقلابی شیعه و ایدئولوژی وهابیت می‌باشد و هر یک به دنبال جذب متحدین منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای جهت توسعه حوزه نفوذ اندیشه‌های سیاسی و مذهبی و همچنین گسترش قلمرو ژئوپلیتیکی خود و در نتیجه ضربه به منافع ملی و سرنگونی یکدیگر هستند. معمولاً کشورهایی که از وزن ژئوپلیتیکی بالایی برخوردار هستند تلاش زیادی برای افزایش عمق استراتژیک خود می‌نمایند که از این طریق بتوانند تهدیدات و تعارض علیه خود را کاهش داده و در قلمرو رقیب به جریان بیاندازند. در این راستا، عربستان جهت مقابله با ایران، در سال ۱۹۸۱ اقدام به تشکیل شورای همکاری خلیج فارس و هم‌پیمانی با غرب به‌ویژه ایالات متحده آمریکا نموده و در مقابل، ایران هم اقدام به نشر افکار انقلابی خود و در واقع صدور انقلاب اسلامی در بین مردم ستمدیده و مسلمان منطقه کرده است، نتیجه این سیاست دو کشور، تقابل نظامی آنها در حیات خلوت یکدیگر و اخذ امتیاز و منفعت بیشتر برای خود می‌باشد. بنابراین روابط آنها تا کنون بیشتر در مسیر واگرایی و قطع رابطه قرار داشته و عربستان با همکاری ایالات متحده و دیگر متحدین خود راهبردهای مختلفی را برای سرنگونی و یا مهار و منزوی نمودن جمهوری اسلامی در دستور کار خود قرار داده است. دولت عربستان برای رسیدن به این هدف از هیچ تلاش و اقدام مادی و معنوی دریغ ننموده و پتانسیل زیادی از توانمندی خود را در سیاست خارجی این کشور صرف نموده است، در حقیقت غرب آسیا بیشتر به صحنه رقابت دو کشور ایران و عربستان تبدیل شده است.

این در حالی است که رقابت ایران و عربستان در غرب آسیا نه تنها باعث تنش در روابط دو کشور شده، بلکه بر نظم منطقه تأثیرگذار بوده است. در اکثر مواقع، رقابت و تنش‌ها به جز خسارت و به خطر افتادن منافع ملی آنها چیز دیگری را عاید این دو کشور مهم اسلامی نکرده و روابط فی‌ما بین را به تیرگی کشانده است، تا حدی که در سال‌های اخیر هر دو کشور را در آستانه یک جنگ بزرگ قرار داده که با تدابیر اتخاذ شده از سوی طرفین، موضوع فروکش کرده و ممکن است مجدد این تنش از سر گرفته و روابط دو کشور را دچار بحران نماید. موضوعی که در این بحث خود را به عنوان مسئله محوری نشان می‌دهد این است که چه عوامل و عناصری سبب ایجاد تنش و افزایش از سرگیری روابط سرد و شکننده بین این دو قدرت بزرگ آسیا به‌خصوص در دهه ۹۰ شده است و چگونه توانسته‌اند بر تصمیمات و رفتارهای سیاسی دو کشور در سطح منطقه تأثیرگذار باشند؟ در همین راستا، سوال اصلی به این شکل قابل طرح می‌باشد که عوامل پیشران در مناسبات خارجی ایران و عربستان در دهه نود چه بوده است؟ به عبارتی دیگر، کدام عوامل در تصمیم‌گیری دستگاه دیپلماسی ج.ا.ا در قبال عربستان و روابط دیپلماتیک دو کشور تأثیرگذار بوده است؟

۲. پیشینه تحقیق

کرمی (۱۴۰۱)، پژوهشی تحت عنوان «مسئله‌ها و بایسته‌های استراتژیک عربستان سعودی در سال ۲۰۲۳» انجام داده و به این نتیجه رسیده است که نقش و جایگاه عربستان در آینده ژئوپلیتیک انرژی و برآمدن نظم جدید در رهگذر بر هم خوردن نظم کنونی نفت محور، پادشاهی عربستان را به سمت متنوع‌سازی درآمدهای دولت و گسترده کردن سبد شرکای منطقه‌ای و بین‌المللی ناگزیر کرده است. قرارگیری در چنین مسیری است که عربستان سعودی را به سمت صراحت بیشتر در تصمیم‌گیری سیاست خارجی و انتخاب‌های استراتژیک متمایل ساخته است. زارعی و نجفی (۱۳۹۹)، پژوهشی تحت عنوان «تبیین سناریوهای محتمل پیش رو در روابط ایران و عربستان در بازه زمانی ۱۴۰۸» انجام داده و به این نتیجه رسیده‌اند که دو کشور ایران و عربستان به‌عنوان دو قدرت منطقه‌ای تأثیرگذار در منطقه جنوب غرب آسیا به دلیل نفوذ و هدایت گروه‌های شیعه و سنی، مؤثر بر تحولات منطقه می‌باشند که کم و کیف روابط دو جانبه دو کشور تأثیر مستقیم بر روندها و تحولات جاری و پیش رو در این منطقه مهم و استراتژیک جهان خواهد داشت؛ بنابراین، داشتن درک و بینش از آینده روابط دو جانبه جهت تبیین سناریوهای محتمل پیش رو از ضروریات مهم است. نویدی‌نیا و گودرزی (۱۳۹۹)، پژوهشی تحت عنوان «جایگاه منطقه‌ای ایران و عربستان در دوره پسا داعش» انجام داده و به این نتیجه

رسیده‌اند که دو رویکرد عمده، یعنی همکاری و تشدید منازعه را می‌توان در روابط ایران و عربستان در نظر گرفت. هر چند تقویت احتمال همکاری و تعامل دو کشور در این دوره اندک است اما، در شرایط تشدید منازعه، دو طرف به وسیله راهبردهای مختلف سعی در تقویت قدرت خود دارند. علایی (۱۳۹۸)، پژوهشی تحت عنوان «بررسی رویکردهای سیاسی و رقابت‌جویانه ایران و عربستان و ساز و کارهای مهار دشمنی‌ها» انجام داده و به این نتیجه رسیده است که راهکار بهبود مناسبات بین دو کشور، تکیه بر «اشتراکات و منافع مشترک» به جای اصرار بر اختلافات و پیگیری «نظام امنیت توافقی» یا دسته‌جمعی در خلیج فارس و «برقراری روابط سیاسی» بین دو کشور از طریق «مذاکره جامع و فراگیر» می‌باشد.

Farouk (۲۰۱۹) پژوهشی تحت عنوان «عربستان سعودی پس از حمله نفتی، فضایی برای مانور دارد» را انجام داده و به این نتیجه رسیده است که اتفاقات سال ۲۰۱۹ در خلیج فارس و عدم واکنش نظامی از سوی آمریکا باعث دلسردی و تردیدهای زیادی در مقامات سعودی در رابطه با ضمانت امنیتی آمریکا در قبال این کشور شد و این موضوع، سیاست‌های عربستان را تا حدودی دچار تغییر کرده است. از همین رو شاید افزایش تمایل عربستان به کاهش اختلاف با همسایگان و به‌ویژه ایران در این راستا باشد.

Cordesman (۲۰۱۸) پژوهشی تحت عنوان «کشورهای عرب خلیج فارس و ایران: هزینه‌های نظامی، مدرنیزاسیون و تغییر مواضع نظامی» انجام داده و به این نتیجه رسیده است که عربستان به تنهایی از ظرفیت‌های لازم برای وارد کردن ضربه نظامی یا وارد شدن به درگیری نظامی مستقیم با ایران برخوردار نیست. با این حال ریاض به‌خصوص در دوره سلمان به روش‌های مختلف در پی تقویت تهدیدات نظامی علیه ایران بوده است. تشویق آمریکا به تداوم حضور و افزایش اثرگذاری نظامی در منطقه از سوی ریاض با هدف حفظ اهرم‌ها و تهدیدات نظامی علیه ایران و متحدین منطقه‌ای آن مانند دولت سوریه و حزب الله لبنان زمینه‌ساز تقویت تهدیدات نظامی علیه ایران بوده است. در کنار این موضوع خریدهای تسلیحاتی گسترده عربستان می‌تواند به تدریج موازنه نظامی در منطقه را به ضرر ایران تغییر داده و ظرفیت‌های نظامی و دفاعی ایران را متأثر سازد.

Al-Rasheed (۲۰۱۸) پژوهشی تحت عنوان «عدم قطعیت‌های داخلی عربستان و رقابت با ایران» انجام داده و به این نتیجه رسیده است که محمد بن سلمان با بهره‌گیری از پیشینه تنش‌آلود روابط دو کشور و شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی به بزرگ‌نمایی نگرانی‌های دولت سعودی از سیاست‌های منطقه‌ای ایران

پرداخته است، چرا که مزایای تداوم و گسترش خصومت با ایران، بیشتر از هر گونه آشتی است و ولیعهد سعودی در تلاش است تا از رقابت با ایران برای ساماندهی شرایط درونی عربستان بهره‌برداری نماید.

Ackerman (۲۰۱۳) پژوهشی تحت عنوان «نشانه‌های جنگ سرد میان ایران و عربستان سعودی» انجام داده و به این نتیجه رسیده است که با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و شکل‌گیری اسلام سیاسی شیعی، دو عامل مهم و اثرگذار داخلی و خارجی باعث شد روابط ایران و عربستان از هر دوره دیگری بیشتر تنش‌زا گردد. این دو عامل: الف، حکومت سیاسی شیعه در ایران در مقابل حکومت سنی و پادشاهی عربستان؛ ب، از دست رفتن حوزه نفوذ آمریکا در ایران و در نتیجه روی آوردن آمریکا به عربستان می‌باشد به همین دلیل از این پس شاهد جنگ سرد میان این دو کشور خواهیم بود.

در مجموع با توجه به پژوهش‌های انجام شده، مشخص گردید که در اکثر پژوهش‌های پیشین، به بررسی روابط و سیاست‌های این دو کشور بر اساس چند محور پرداخته‌اند. محور اول: پژوهش‌هایی است که تاکید بر روابط دو کشور دارد و مباحث امنیت جمهوری اسلامی را مورد بررسی قرار داده است. محور دوم پژوهش‌ها: تاکید بر سیاست خارجی دو کشور و نحوه سیاست‌گذاری دارد و محور سوم پژوهش‌ها: بر روابط دو کشور و اختلافات فی ما بین آنها می‌پردازد. نوآوری این پژوهش در این است که به بررسی عوامل موثر در بروز اختلافات فی ما بین ایران و عربستان در دهه ۹۰ با تاکید بر نحوه سیاست‌گذاری دستگاه دیپلماسی ایران می‌پردازد. این پژوهش بر اساس نظریه واگرایی و با استفاده از مدل سیاست‌گذاری جونز مورد بررسی قرار می‌گیرد که تا کنون از این منظر، کمتر پژوهشی مورد بررسی قرار گرفته است.

۳. چارچوب نظری پژوهش

روابط ایران و عربستان همواره از اهمیتی خاص برای سیاست‌گذاران و همچنین پژوهشگران و صاحب نظران دو کشور برخوردار بوده است. اما به رغم تالیفات و پژوهش‌های فراوان صورت گرفته، توجهی به مبانی و اصول و پیشران‌های موثر در بروز اختلافات فی ما بین دو کشور نشده است. لذا در این پژوهش، علاوه بر استفاده از نظریه واگرایی به‌عنوان چارچوب اصلی، از مدل مرحله‌ای جونز استفاده و به مهم‌ترین عوامل در راهبردهای دستگاه دیپلماسی ج.ا.ا. در قبال عربستان پرداخته می‌شود.

۳-۱ نظریه واگرایی^۱

یکی از مسائل مهمی که در سیاست خارجی یک دولت نسبت به همسایگانش وجود دارد، سیاست‌ها و اقدامات متقابل بین آنها است. در واقع هر اقدامی از سوی یک دولت که به شکل مستقیم یا غیر مستقیم بر منافع دولت دیگر تاثیر بگذارد و پاسخ دولت مقابل را برانگیزد، واگرایی نامیده می‌شود (ازغندی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۲۷). هنگامی که واکنش‌ها و پاسخ‌های دو طرف درگیر به حالت غیر طبیعی تبدیل شود، روابط دگرگون شده و تعامل بین طرفین شکل خصمانه به خود گرفته و زمینه واگرایی بین آنها را فراهم می‌نماید. همگرایی و واگرایی به‌عنوان دو بعد رفتاری متناقض در روابط دولت‌ها و بازیگران سیاسی مطرح شده است که بقاء یا سقوط این دو، سبب می‌شود که دولت‌ها به منافع خود توجه کنند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۷۳). واگرایی در واقع به معنی از دست دادن وحدت و قطعه قطعه شدن است. به همان اندازه که عوامل و انگیزه‌های مختلف سبب برقراری دوستی و اتحاد بین کشورها می‌شود، عوامل گوناگونی در ایجاد واگرایی بین واحدهای سیاسی مختلف ایجاد می‌شود که به جای همکاری و اشتراک مساعی، سبب دوری از یکدیگر می‌شود و زمینه‌هایی برای جنگ و بحران به وجود می‌آورد (جلال‌پور و همکاران، ۱۳۹۹: ۹). معمولاً واگرایی به مسئله دوران‌دیشی بازیگران نسبت به یکدیگر توجه دارد. وقتی دولت‌ها از یکدیگر فاصله گرفتند، میلی به همکاری‌های منطقه‌ای با هم ندارند. مهم‌ترین ویژگی بارز در واگرایی بین دولت‌ها، درگیری و تقابل است (فولادی، ۱۳۹۷: ۵۳). البته چند عامل سبب واگرایی بین دولت‌های همسایه می‌شود: بی‌ثباتی و مسائل داخلی، درگیری طولانی مدت، همسایگی و نزدیکی جغرافیایی، بهره‌مندی از یک قدرت بزرگ، عدم تجانس فرهنگی، سیاسی، نظامی و اقتصادی (بوچر، ۱۳۸۲: ۱۱۵). بسیاری از پژوهشگران و محققان، زمینه‌های بروز تعارض و واگرایی بین دو کشور را به سه دسته تقسیم می‌کنند: ۱- تعارض به سبب منافع ملی؛ پر کردن خلاء قدرت در یک منطقه یا کشور؛ بحث تجدید نظر طلبی، منازعه برای کسب برتری ۲- منازعات ایدئولوژیک ۳- رقابت‌ها و منازعات بر سر مسائل اقتصادی (قوام، ۱۳۸۰: ۲۵۸). علل پیچیدگی روند واگرایی، بیشتر در یارگیری‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای مشخص می‌شود. تلاش برای کسب جایگاه ژئوپلیتیکی بیشتر به منظور افزایش فشار بر رقیب در یارگیری‌ها خود را نشان می‌دهد. کشورهای

واگرا اغلب با ایجاد اختلال در منافع استراتژیک همدیگر، شرایط متعارض و گاهی متخاصمی برای یکدیگر رقم می‌زنند (Tausch, 2015: 3).

۲-۳ مدل مرحله‌ای جونز

پیش فرض این مدل آن است که تنها در صورت شناخت «چگونه بودن عملکرد دولت» می‌توان درباره «چگونه باید بودن آن» نظر داد (Vahid, 2005: 23).

۱- مرحله شناخت مشکل و قرار گرفتن مشکل در دستور کار حکومت

مشکل زمانی به وجود می‌آید که افراد و گروه‌های اجتماعی میان آنچه هست و آنچه باید باشد اختلاف یا شکافی احساس می‌کنند (Shafritz et al, 2012: 131). تنظیم دستور کار عبارت است از فرایندی که به وسیله آن موضوعات وارد دستور کار سازمانی می‌شوند (Cobb et al, 1984: 892).

۲- مرحله ارائه راه حل به تصمیم‌گیران

پس از شناخت مشکل، مسئله بعدی ارائه راه حل پیرامون مشکل و همچنین ارائه ارزیابی‌های جدی و عینی در زمینه راه حل‌ها، تخمین هزینه‌ها و منفعت‌هایی که از راه حل عاید می‌گردد (وحید، ۱۳۹۵: ۳۲).

۳- مرحله تصمیم‌گیری

تصمیم‌گیری عبارت است از طراحی سیاستی خاص که سیاست‌گذاران می‌خواهند از طریق آن یک مشکل را حل نمایند (Palumbo, 2003). در واقع در مرحله تصمیم‌گیری، کنش متقابل بخش‌های قانون‌گذاری، اجرایی و گروه‌های ذی‌نفع اتفاق می‌افتد (پارسونز، ۱۳۹۲، ج ۱: ۱۲۸).

۴- مرحله اجرا

معمولاً در این مرحله با هدف حل مشکل، ایده‌های سیاستی، انتظارات و اهداف به اقدام و عمل تبدیل می‌شوند (لستر و گوگان، ۱۹۹۸). این کار از طریق ترجمه یک تصمیم برآمده از مجلس یا دولت به صورت دستورالعمل و ساختارهای مناسب ایجاد می‌شود (برمن، ۱۹۷۸).

۵- مرحله ارزیابی

مرحله ارزیابی، در پی تعیین موفقیت یا شکست اجرای یک سیاست از طریق تشریح پیامدهای آن است (Malekmohammadi, 2015: 90-98).

۴. دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران

سیاست خارجی دارای اهدافی است و دیپلماسی به عنوان ابزاری برای رسیدن به این اهداف است. در واقع دیپلماسی از اهداف سیاست خارجی به نوعی حمایت می‌کند، سیاست خارجی برای بقای خود و اهدافش و عملی کردن فرصت‌هایش در صدد استفاده از دیپلماسی است (آشنا و هفتخوانی، ۱۳۸۶: ۱۹۱). آنچه قابل توجه است این است که سیاست خارجی ایران بر اساس اصول و مبانی همچون ظلم ستیزی، دفاع از مستضعفین و حمایت از جنبش‌های اسلامی، برقراری روابط با ملت‌ها، دفاع از حقوق مسلمانان و مبارزه با اسرائیل است.

جمهوری اسلامی همانند سایر کشورها، در سیاست خارجی ارزش‌ها و آرمان‌هایی دارد که این ارزش‌ها تشکیل‌دهنده منافع ملی و از اهداف سیاست خارجی محسوب می‌شود. مهم‌ترین اهداف سیاست خارجی ج.ا.ا. اول تامین منافع ملی و دوم تامین و اجرای وظایفی است که اسلام بر دوش حکومت اسلامی ایران قرار داده است. از طرفی دیگر یکی از اهداف سیاست خارجی ایران افزایش اعتبار بین‌المللی است (جعفری و همکاران، ۱۳۹۴: ۵). البته ایران بعد از پیروزی انقلاب سعی داشت که رسالت انقلاب اسلامی که یک رسالت فرهنگی بود با شعارها و ویژگی‌های اسلامی و مردمی بودنش را به جهان معرفی کند. افزایش نقش جدی در تحولات منطقه‌ای و گسترش روابط و همکاری با کشورهای مسلمان، ایجاد روابط مستحکم با جهان اسلام و ارائه چهره‌ای مثبت از انقلاب اسلامی، ارائه نظریه مردم سالاری دینی و ایجاد روابط و تعامل با کشورهای آمریکای لاتین و آفریقایی از جمله مواردی بودند که جمهوری اسلامی جهت همگرایی با کشورهای مسلمان و تعامل با آنها انجام داده است (حجازی، ۱۳۸۷: ۱۴).

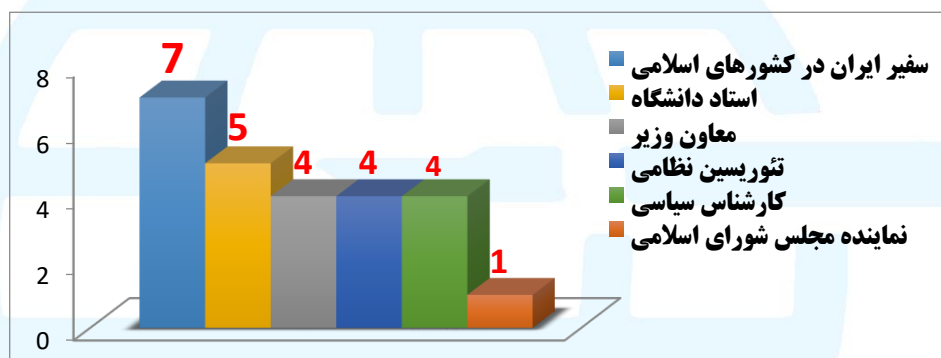
جمهوری اسلامی تلاش دارد با ایجاد درهم آمیختگی‌های فرهنگی، اقتصادی و دینی با کشورهای منطقه و تلاش برای ایجاد یک قطب منطقه‌ای اقتصادی، علمی و فناوری در کشورهای متحد و دوست منطقه و ایجاد تعاملات با جهان اسلام با ایجاد و راه اندازی بازار مشترک اسلامی، بانک و بورس اسلامی و ایجاد ماهواره اسلامی و تحکیم روابط صلح‌آمیز، جهت گسترش همکاری‌های فرهنگی و رسانه‌ای میان ملت‌ها اقدام نماید (دهشیری، ۱۳۸۳: ۷). در مجموع بر اساس ویژگی‌های جهان‌شمولی و تاکید بر مردمی بودن ایدئولوژی اسلامی و اهداف و ارزش‌های انقلاب اسلامی، سیاست خارجی ایران تلاش دارد که در مرزهای خود محدود نباشد و از ماهیت و سرشت جهانی و فرامرزی پیام‌های انقلابی خود

بهره‌مند شود، زیرا از این دیدگاه، مسلمانان جهان به‌عنوان یک امت واحد محسوب می‌شوند و اتحاد آنها در اولویت قرار دارد.

۵. روش‌شناسی تحقیق

به منظور تبیین مولفه‌های موثر در سیاست‌گذاری دستگاه دیپلماسی ج.ا.ا در بروز اختلافات فی ما بین ایران و عربستان، از دو روش اسنادی و مطالعه میدانی (مصاحبه) استفاده شده است. به این صورت که در ابتدا با مطالعه و بررسی کلیه اسناد علمی، موثرترین عوامل شناسایی و در گام دوم به منظور تکمیل این روند با ۲۵ نفر از کارشناسان و نخبگان سیاسی و... به روش هدفمند مصاحبه عمیق انجام پذیرفت؛ این مصاحبه تا جایی ادامه یافت که تئوری اشباع نظر به وقوع پیوست. در این پژوهش اشباع نظر در سطح نفر بیست و پنجم اتفاق افتاد، به حدی که پاسخ‌های نفر بیست و ششم کاملاً تکراری ثبت گردید.

نمودار شماره ۱: مشخصات افراد مشارکت‌کننده در فرایند مصاحبه



منبع: (یافته‌های پژوهش ۱۴۰۰)

در این قسمت از کارشناسان و نخبگان خواسته شد که دیدگاه‌های خود در خصوص مولفه‌های موثر در سیاست‌گذاری دستگاه دیپلماسی ج.ا.ا در بروز اختلافات دو کشور را بیان دارند. پس از پایان مصاحبه‌ها، متغیرهای کلیدی بر اساس روش کلاژی طبقه‌بندی شد که در نهایت ۳۱ متغیر استخراج شده، مجدداً توسط تیمی از کارشناسان به منظور تحلیل در نرم افزار میک مک، از ۰ تا ۳ امتیازبندی گردید.

۶. عوامل موثر در سیاست‌گذاری دستگاه دیپلماسی ج.ا.ا بر روابط فی ما بین

سیاست خارجی هر کشوری بر اساس قالب‌های گفتمانی شکل می‌گیرد. معمولاً گفتمان‌ها محور اصلی رفتار و کردار کارگزاران سیاست خارجی به منظور تامین و پیشبرد اهداف و منافع ملی محسوب می‌شوند. جمهوری اسلامی از جمله کشورهایی است که در آن تنوع گفتمانی زیادی وجود دارد. اگر

به گفتمان سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد توجه کنیم، در می‌یابیم که سیاست خارجی وی بر اساس آرمان‌گرایی بر پایه جهان‌گرایی، استقلال‌طلبی، صلح‌طلبی، حق‌طلبی و سلطه‌ستیزی و عدالت‌خواهی بنا شده بود. در دولت یازدهم و دوازدهم (دولت روحانی) بر مبنای آرمان‌گرایی واقع‌گرا بنا شده بود که بر چند عامل خردگرایی، اقتدارگرایی، مصلحت‌گرایی، مشکل‌گشایی و حزم‌اندیشی تاکید داشته است. اگرچه اصول‌گرایی عدالت‌محور دولت احمدی‌نژاد با استناد به گزاره‌ها و احکام اصلی انقلاب با سایر گفتمان‌های اسلام‌گرایی اشتراک نظر داشت، ولی با انتخاب گزینه‌های فرعی از این احکام از سایر گفتمان‌ها متفاوت عمل کرد. اما سیاست اعتدال‌گرایی دولت روحانی به گونه‌ای بود که نه بر اساس تسلیم، ستیز، انفعال و تقابل، بلکه به معنای تعامل واقعی با دنیا بنا شده بود. بیشترین تلاش دولت روحانی ضمن توجه به آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی، در تلاش برای ایجاد توازن بین آرمان و واقعیت و جهت دادن به واقعیت‌ها به سمت ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب بود.

از طرفی تشکیل نهادهای مختلف بعد از پیروزی انقلاب و وظایفی که به این نهادها محول گردیده است سبب شد که جایگاه دیپلماسی در کشور تغییر شایانی داشته باشد. اهمیت و نقش جایگاه دیپلماسی بر خلاف دیگر نهادها، اجرا و تداوم اجرای سیاست خارجی است. نکته‌ای که باید به آن توجه کنیم این است که همواره چالشی در اجرای سیاست منطقه‌ای در بین نهادهای مسئول در امر تدوین و اجرای این سیاست‌ها وجود داشته که می‌تواند به امنیتی شدن یا امنیت زدایی در منطقه منجر شود. این مسئله روند امنیت زدایی را به شکل قابل توجهی تغییر داد، به گونه‌ای که در حال حاضر این نهاد بسیاری از ماموریت‌های خود به‌خصوص در منطقه خاورمیانه را با سایر نهادها به صورت مشارکتی به انجام می‌رساند. این امر در حال حاضر نحوه هماهنگ‌سازی و پیوستگی اهداف کلان سیاست خارجی و اجرای آن را نیازمند هماهنگی و همکاری بیشتری کرده است. نکته قابل توجه این است که از یک طرف اهداف تدوین شده سیاست خارجی و نقش دیپلماسی در اجرای آن و از طرفی چندگانگی و تعدد دیدگاه‌ها در ارتباط با بازیگران منطقه‌ای و تضاد با آمریکا و منافع آن در منطقه سبب شد تا ساختار سیاست خارجی ایران در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی دچار تغییرات زیادی شود.

از آنجایی که روندهای سیاست خارجی منطقه‌ای ایران به شکل مفهومی، معنایی و کارکردی متفاوتی شکل گرفته است، هر یک از کارگزاران سیاست خارجی از یک قالب مفهومی مختلف بهره‌مند شده است. اگر بخواهیم گفتمان سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد و دولت روحانی را در چارچوب گفتمانی آنها و دیدگاهشان نسبت به نقش ساختار و موقعیت کارگزار بررسی کنیم، در می‌یابیم که

علی‌رغم تفاوت تاکتیکی، هدف کلان سیاست خارجی که همان تثبیت موقعیت ایران در عرصه منطقه خاورمیانه است، مورد توجه قرار گرفته است.

۷. دیپلماسی منطقه‌ای دولت احمدی‌نژاد

با شکل‌گیری دولت احمدی‌نژاد، بار دیگر سیاست خارجی ج.ا.ا بر اساس اصول ایدئولوژیک و ارزش‌ها و اعتقادات اسلامی باز تعریف شد. در این دوره تحولی در جهت عکس در سیاست خارجی ایران، با نظام بین‌الملل شکل گرفت. به گونه‌ای که این امر موجب بروز یک سلسله تغییر و تحولاتی منفی در عرصه دیپلماسی کشور به‌خصوص در سطح منطقه خاورمیانه شد (ملکی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹۰).

به یک نکته باید اشاره کرد که دیپلماسی جمهوری اسلامی در دوره آقای احمدی‌نژاد بر اساس اقدامات شخص رئیس‌جمهور بنا شده بود به گونه‌ای که ساختار دیپلماسی کشور نقش کمتری در مقایسه با شخص رئیس‌جمهور داشت. در این دوره دیپلماسی ایران در جهت حمایت از احزاب و گروه‌های سیاسی منطقه قرارگرفت (دهقانی فیروزآبادی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۲۵).

در این دوره با توجه به گفتمان اصول‌گرایی، اصل عزت نمود بیشتری از اصل مصلحت داشت و نتیجه آن حمایت بیشتر از گروه‌های ذی‌نفوذ در منطقه بود؛ به گونه‌ای که کم‌اهمیت‌ترین فرایندها و لایه‌ها در سیاست خارجی سیاست‌گذاری دستگاه دیپلماسی ج.ا.ا برای دولت نهم و دهم اهمیت و اولویت زیادی یافت. آنچه در این دوره شاهد بودیم دولت احمدی‌نژاد بعد از دریافت سیگنال‌های مثبت که حاصل شعار عدالت محوری در عرصه داخل کشور بود همان الگو را به‌عنوان ابزاری برای افکار عمومی منطقه قرار داد؛ حاصل آن چیزی جز متحدین سنتی فعال در داخل ساختار حکومت‌های منطقه نبود. با چرخش از گفتمان مردم‌سالاری دولت اصلاحات به سمت گفتمان اصول‌گرایی عدالت محور پیش رفت، این گفتمان اگرچه به ذائقه حکومت‌های منطقه خوش نیامد ولی سبب خوشایندی برای گروه‌های ذی‌نفوذ بود (ملکی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۸). بسیاری از موافقان گفتمان احمدی‌نژاد معتقد هستند که در دیپلماسی ایشان ابتکاراتی همچون تمرکز بر گروه‌های ذی‌نفوذ، توجه به سازمان‌های غیر دولتی، افکار عمومی، نخبگان و شخصیت‌های تاثیرگذار، همچنین دیپلماسی‌نامه‌ها، و سفرهای خارجی زیاد به‌عنوان نقشه راه احمدی‌نژاد در ایجاد روابط بسیار موثر واقع شده است (بصیری و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۸).

۸. دیپلماسی منطقه‌ای دولت روحانی

سیاست خارجی دولت روحانی که از سال ۱۳۹۲ شروع شد، بر اساس تعامل سازنده با جهان مورد توجه قرار گرفت. اساس سیاست خارجی در این دوره بر مبنای تنش‌زدایی، اعتمادسازی، بهبود پرستیژ و دوری از امنیتی شدن قرار گرفت (رضایی و ترابی، ۱۳۹۳: ۱۸). ایشان با تعدیل در ایدئولوژی سیاسی تلاش داشتند با ادبیاتی مبنی بر بازسازی روابط و ایجاد توازن بین آرمان‌گرایی در نظریه و همچنین واقع‌گرایی در رویه، یک روش جدیدی پیش بگیرند. روحانی با شفاف‌سازی در تصمیم‌گیری، به اصلاح نظام اطلاع‌رسانی، احترام به مخالفین و منتقدین و ارائه اطلاعات شفاف در سطح داخلی و خارجی پرداخت (صادقی اول و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴۵).

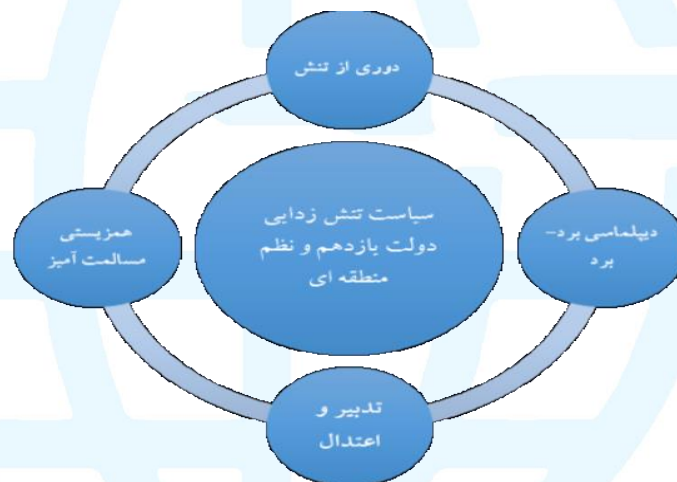
یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های سیاست خارجی دولت یازدهم، بحث تنش‌زدایی و همچنین تلاش برای ایجاد برقراری رابطه با همسایگان، پیگیری دیپلماسی برد - برد، احترام متقابل، به کارگیری تدبیر و عقلانیت در سیاست خارجی بود (خسروی باب اناری، ۱۳۹۶: ۵۰). هدف ایشان ایجاد زمینه‌هایی برای پیوند رفاه، امنیت و ثبات سیاسی در کشور بود (کریمی فرد، ۱۳۹۸: ۲۰۶). علی‌رغم تلاشی که دولت روحانی برای نزدیکی با عربستان داشت بحران‌های منطقه‌ای همچون بحران سوریه به‌عنوان محور اصلی سیاست خارجی عربستان سعودی حائز اهمیت بود. البته تلاش‌های زیادی از جانب قدرت‌های فرا منطقه‌ای شکل گرفت که عربستان نه تنها به سوی همگرایی با ایران سوق نیابد، بلکه با تلاش‌ها و القائات واهی سعی در نشان دادن ایران به‌عنوان یک تهدید برای عربستان، شکاف بین دو کشور را بیشتر کرد (احمدی خویی، ۱۳۹۶: ۳۵).

روحانی از طریق اختیارات خود به‌عنوان رئیس قوه مجریه سعی داشت مشکلات روابط دو کشور را شناسایی و راه حلی برای آن ارائه کند. از این رو تحرکات دیپلماتیک که از جانب مقامات سیاسی دولت ایران در این دوره انجام می‌شد، نشانه یک اراده سیاسی از سوی دولت یازدهم برای حل مشکلات سیاسی و امنیتی با عربستان بود و از آنجایی که ایران را به‌عنوان رقیب جدی خود در منطقه می‌دید، از تمامی ظرفیت‌های سیاسی و مالی خود علیه جمهوری اسلامی استفاده می‌کرد. درگیری‌هایی که در سوریه، لبنان، بحرین و یمن به وجود آمد، نشان دهنده میزان رقابت عربستان با جمهوری اسلامی و تلاش برای تضعیف موقعیت آن در منطقه است (بازیار، ۱۳۹۶: ۶).

نکته‌ای که باید به آن اشاره کرد این است که سیاست خارجی از ابتدای دولت یازدهم بر حول محور موضوع هسته‌ای و تعامل با گروه ۵+۱ قرار داشت. در ارتباط با این مسئله، وزیر خارجه وقت (آقای

ظریف) سعی کرد با استفاده از فرصت مذاکرات به دست آمده در بحث هسته‌ای، حضور ایران در مذاکرات بین‌المللی بحران سوریه را تضمین کرده و در آن تاثیرگذار باشد. تعامل با کشورهای قدرتمند برای مذاکرات هسته‌ای بر روابط جمهوری اسلامی با کشورهای منطقه هم تاثیرگذار بود و هم در برابر قدرت‌یابی بازیگران منطقه با درجه پایین تاثیر می‌گذاشت. سیاست خاورمیانه‌ای روحانی دو مولفه را مد نظر قرار داد: مخالفت با دخالت قدرت‌های فرا منطقه‌ای و تنش‌های بین دو بازیگر مهم منطقه‌ای و سهم هر کدام در ایجاد بی‌ثباتی منطقه. تا وقتی که تنش‌ها کم نشود امکان برون‌رفت از بن‌بست منطقه‌ای ایجاد نمی‌شد. با توجه به تاکید روحانی بر مولفه‌های مورد نظر خود که همانا تغییر رویکردها در جهان خارج بود، در عمل نشان دهنده تلاش آن برای تبدیل ایران به قدرت منطقه‌ای همانند سلف خود بوده است. یکی از مهم‌ترین سیاست تنش‌زدایی دولت روحانی به کارگیری دیپلماسی برد - برد و تاکید بر نظم منطقه‌ای بود. روحانی معتقد بود که دیپلماسی برد - برد نظم منطقه‌ای را قاعده‌مند می‌سازد.

سیاست تنش‌زدایی دولت روحانی و نظم منطقه‌ای



منبع: (خسروی باب اناری، ۱۳۹۶: ۵۳)

در این دوره سیاست خارجی ج.ا.ا در سطح کلان، راهبرد مشخصی در قبال عربستان نداشت. دیپلماسی کشور در این دوره در عرصه بین‌المللی نسبت به عرصه منطقه‌ای موفق‌تر عمل نمود. فقدان راهبرد کلان در سطح منطقه‌ای باعث شد تا در بخش تاکتیکی به برنامه‌های اجرایی دقیق و مشخصی نرسند. بیشترین تاکید دولت ایشان، تعامل با قدرت‌های فرا منطقه‌ای به جای عربستان در منطقه بود. این امر به منظور مصالحه با قدرت‌های بزرگ و تاثیرگذاری بر عربستان بود.

ضمناً باید به این نکته اشاره کرد که علی‌رغم تلاش‌های دولت روحانی در بهبود مسائل منطقه‌ای به‌خصوص بهبود روابط با عربستان، شواهد نشان می‌دهد که روابط این دو کشور با موانع و مشکلات

زیادی روبه‌رو بوده است. بحران سوریه، یمن، بحران داعش، برنامه هسته‌ای ایران، حادثه منا، تعرض پلیس عربستان به دو نوجوان ایرانی، اعدام شیخ نمر و حمله به سفارت عربستان از جمله عواملی بود که بر روابط دو کشور تاثیرگذار بود.

۹. تاثیر سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا بر روابط ایران و عربستان

منطقه غرب آسیا به دلیل دارا بودن منابع غنی انرژی و داشتن موقعیت ژئوپلیتیکی خاص، برای آمریکا دارای اهمیت زیادی می‌باشد. روابط دو کشور آمریکا و عربستان از ابتدای تشکیل حکومت سعودی به جز در موارد اندک، استراتژیک و مستحکم بوده است. البته توجه به مسئله نفت سبب شد که بسیاری از تحلیلگران آن را تحت عنوان معادله نفت در برابر امنیت یاد کنند. روابط این دو کشور تا حادثه یازده سپتامبر روندی کم و بیش یکسانی داشت. اما تحولاتی همچون مبارزه با تروریسم، طرح خاورمیانه بزرگ، جنگ عراق، ناآرامی‌های یمن و لبنان، انقلاب‌های عربی و بیداری اسلامی و از همه مهم‌تر توافق هسته‌ای با ایران سبب تغییراتی در روابط دو کشور شد (محدث، ۱۳۹۵: ۱). در این مقطع بیشترین حساسیت و نگرانی عربستان، نگرانی از عدم ورود آمریکا به موضوعات منطقه‌ای، گرایش به سمت ایران و همچنین نگرانی از افزایش قدرت ج.ا.ا بود که در این رابطه زمزمه‌هایی از حمایت هسته‌ای آمریکا از عربستان جهت کاهش این نگرانی مطرح گردید.

با روی کار آمدن دونالد ترامپ، صحنه رقابت به نفع عربستان تغییر یافت. ترامپ هم مثل سایر رؤسای جمهور آمریکا پیش از انتخابات شعار عدم اهمیت منطقه خاورمیانه و مخصوصا خلیج فارس را سر می‌داد، لیکن بعد از انتخاب، با فشار اسرائیل و نقش دلارهای نفتی عربستان، مبارزه با سیاست‌های ج.ا.ا را در پیش گرفت (عالیشاهی و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۵). با خروج آمریکا از برجام تحریم‌های اقتصادی شدید با هدف به زانو درآوردن ایران و انعطاف در برابر درخواست‌های سیاسی آمریکا به اقتصاد ایران تحمیل شد. در اثر این تحریم‌ها نرخ تورم افزایش و به تدریج اثرات تحریم نمایان گردید (سرزعی، ۱۴۰۲). ترامپ چند رویکرد را در قبال ایران به کار برد: جلوگیری از نفوذ بیشتر ایران در منطقه، جلوگیری از سرمایه‌گذاری‌های کلان اقتصادی و تحریک بن سلمان و نتانیاهو بر علیه سیاست‌های منطقه‌ای ایران (Alcaro, 2018: 14). در واقع ایالات متحده در این مقطع با انعقاد قراردادهای سنگین فروش سلاح با عربستان، وعده داد که از مبارزه آنها با ج.ا.ا و سیاست ایران هراسی در منطقه حمایت

می‌نماید. اما تحولات امنیتی که در سال ۲۰۱۹ در منطقه به وجود آمد، عرصه را تا حدودی برای عربستان تنگ کرد. رویدادهایی همچون انفجار نفتکش‌ها، هدف قرار دادن پهپاد آمریکایی از سوی ج.ا.ا. و حمله به تاسیسات نفتی آرامکو، همگی نشان از تغییراتی است که در معادلات نظامی - امنیتی منطقه رخ داد و محاسبات امنیتی پیشین را متحول ساخت. اگرچه این مسئله ناشی از تحولات در روابط ایران و آمریکا و افزایش تنش‌های بین دو کشور در نتیجه خروج آمریکا از برجام شکل گرفت اما سبب بروز واقعیت‌های سیاسی و نظامی و امنیتی جدیدی در منطقه شد که مهم‌ترین آنها عبارتند از: آسیب‌پذیری نظامی و امنیتی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به‌خصوص سعودی‌ها، افزایش قدرت و ظرفیت نظامی و امنیتی ایران و از همه مهم‌تر عدم انگیزه و تعهد آمریکا در حمایت از متحدین عربی به‌ویژه عربستان سعودی است. عدم واکنش نظامی آمریکا علیه ایران این تردید را در دل عربستان ایجاد کرد که هیچ ضمانت امنیتی از جانب ایالات متحده وجود ندارد (اسدی، ۱۳۹۸: ۹۷). همین امر سبب دلسردی سعودی‌ها از حمایت‌های امنیتی آمریکا و تا حدودی سبب نرمش در مواضع عربستان شد. تمایل به کاهش اختلاف با قطر، تعامل و گفتگو با انصارالله برای پایان دادن به جنگ در یمن و تمایل به گفتگو و تعامل با ج.ا.ا. نتایج همین تحولات بود.

۱۰. یافته‌های پژوهش

طبق جمع‌بندی صورت گرفته از نتایج مصاحبه‌ها بر اساس روش کلایزی، مشخص شد که از مجموع مشارکت کنندگان، ۲۱ بار به تعارض ایدئولوژیک، ۳۸ بار به عواملی چون: ادعای رهبری جهان اسلام از سوی طرفین و رقابت منطقه‌ای، ۱۷ بار حمله به سفارت عربستان در تهران، ۲۸ بار خواست آمریکا و اسرائیل در تقابل دو کشور و تقابل اطلاعاتی، ۳۹ بار به جنگ‌های نیابتی، عدم دارا بودن یک سیاست مشخص از سوی ایران و رقابت ژئوپلیتیک، ۱۲ بار به دخالت طرفین در امور داخلی یکدیگر، ۱ بار به روی کار آمدن دولت نهم و دهم، ۳۰ بار به روی کار آمدن نیروهای تندرو در ایران، روی کار آمدن نیروهای تندرو در دو کشور و ضعیف بودن دستگاه دیپلماسی ایران، ۱۸ بار به تجاوز به دو نوجوان ایرانی در جده و موضوع هسته‌ای، ۱۱ بار به اعدام شیخ نمر، ۱۰ بار به قائل نبودن نقش اصلی برای دستگاه دیپلماسی، ۱ بار به دیپلماسی پشت سر میدان، ۸ بار به وقوع انقلاب اسلامی ایران، ۱۴ بار به موضوع موشکی و راه‌اندازی محور مقاومت از سوی ایران، ۱۵ بار به وقوع بهار عربی (بیداری اسلامی)، موضوع فلسطین و شهادت حجاج ایرانی در منا، ۸ بار به موضوع انرژی و تصمیم عربستان در سرنگونی جمهوری اسلامی، ۳ بار به روی کار آمدن ترامپ و موضوع دیپلماسی و میدان، ۳ بار به سیاست

داخلی ایران و عربستان و عدم داشتن رابطه اقتصادی و منافع مشترک اشاره شده است (جدول شماره یک).

جدول شماره ۱: متغیرهای به دست آمده از مصاحبه با کارشناسان

متغیر - عامل	فراوانی	متغیر - عامل	فراوانی
تعارض ایدئولوژیک	۲۱	تجاوز به دو نوجوان ایرانی در جده	۹
ادعای رهبری جهان اسلام از سوی طرفین	۱۹	موضوع هسته‌ای	۹
رقابت منطقه‌ای	۱۹	وقوع انقلاب اسلامی	۸
حمله به سفارت عربستان در تهران	۱۷	راه‌اندازی محور مقاومت از سوی ایران	۷
خواست آمریکا و اسرائیل در تقابل دو کشور	۱۴	موضوع موشکی	۷
تقابل اطلاعاتی	۱۴	شهادت حجاج ایرانی در منا	۵
جنگ‌های نیابتی	۱۳	موضوع فلسطین	۵
عدم دارا بودن یک سیاست مشخص از سوی ایران	۱۳	وقوع بهار عربی (بیداری اسلامی)	۵
رقابت ژئوپولیتیک	۱۳	تصمیم عربستان در سرنگونی جمهوری اسلامی	۴
دخالت طرفین در امور داخلی یکدیگر	۱۲	موضوع انرژی	۴
اعدام شیخ نمر	۱۱	روی کار آمدن ترامپ	۲
روی کار آمدن دولت نهم و دهم	۱	عدم داشتن رابطه اقتصادی و منافع مشترک	۲
روی کار آمدن نیروهای تندرو در ایران	۱۰	سیاست داخلی ایران و عربستان	۱
روی کارآمدن نیروهای تندرو در دو کشور	۱۰	دیپلماسی و میدان مکمل یکدیگر هستند	۱
ضعیف بودن دستگاه دیپلماسی ایران	۱۰	قائل نبودن نقش اصلی برای دستگاه دیپلماسی	۱۰
دیپلماسی پشت سر میدان	۱		

منبع: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰)

تحلیل داده‌ها در نرم‌افزار میک مک

نمودار شماره ۲: قرارگیری متغیرهای مدل MDI



در مجموع برای پاسخ به این سوال که: مهم‌ترین عوامل تنش‌زا و بی‌ثباتی در روابط ایران و عربستان در دهه ۹۰ چیست؟ باید گفت که مهم‌ترین این عوامل در چهار سطح به شرح ذیل مشخص گردید:

سطح اول: جنگ‌های نیابتی، ضعیف بودن دستگاه دیپلماسی ایران، عدم دارا بودن یک سیاست مشخص از سوی ایران در قبال عربستان، دخالت طرفین در امور داخلی یکدیگر، قائل نبودن نقش اصلی برای دستگاه دیپلماسی، روی کار آمدن نیروهای تندرو در هر دو کشور، روی کار آمدن نیروهای تندرو در ایران، تقابل اطلاعاتی بین دو کشور، حمله به سفارت و کنسولگری عربستان سعودی در تهران و مشهد، تجاوز به دو نوجوان ایرانی در جده و اعدام شیخ نمر، بیشترین تاثیر را در بین مولفه‌های اثرگذار دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در بروز اختلافات فی ما بین ایران و عربستان در دهه ۹۰ داشته است.

سطح دوم: تصمیم عربستان در سرنگونی جمهوری اسلامی، راه‌اندازی محور مقاومت از سوی ایران، شهادت حجاج ایرانی در منا، موضوع فلسطین، دیپلماسی و میدان مکمل یکدیگر، عدم داشتن رابطه اقتصادی و منافع مشترک، سیاست داخلی ایران و عربستان، روی کار آمدن ترامپ، دیپلماسی پشت سر میدان.

سطح سوم: عواملی چون موضوع موشکی ایران و همچنین بحث انرژی و نفت، وقوع انقلاب اسلامی و تحرکات سیاسی در منطقه (بهار عربی).

سطح چهارم: عواملی چون ادعای رهبری جهان اسلام از سوی طرفین، تعارض ایدئولوژیک، رقابت ژئوپلیتیک، رقابت منطقه‌ای، روی کار آمدن دولت نهم و دهم، خواست آمریکا و اسرائیل در تقابل دو کشور و موضوع هسته‌ای، عناصری هستند که در مجموع بر سیاست‌گذاری دستگاه دیپلماسی ایران در بروز اختلافات فی ما بین ایران و عربستان در دهه ۹۰ تاثیر گذار بوده و بعضاً همچنان ادامه دارند. این سطح‌بندی بر اساس میزان اثرگذاری از دیدگاه کارشناسان بوده و تحلیل آن بر حسب مقدار ارزشی است که توسط آنها به این عوامل، نسبت داده شده است.

اسلامی ایجاد کرده که تاثیر بسزایی در روابط دو کشور داشته و روابط آنها را دستخوش تحولات زیادی نموده است.

مهم‌ترین اختلافات و چالش‌های روابط دو کشور را می‌توان در متهم کردن یکدیگر، تصورات و ذهنیت‌ها و نیز نوع برداشت‌های متفاوت از موضوعات یکسان و گاهی اقدامات عملی که منافع آنها را در خطر قرار می‌دهد، مشاهده کرد. در این میان کشورهایی همچون اسرائیل و آمریکا منافع خود را در عدم نزدیکی کشورهای مسلمان به‌خصوص ایران و عربستان می‌دانند. در دوران بعد از انقلاب، ایران خود را ام‌القرای جهان اسلام دانست و این مسئله سبب شد رسماً در مقابل عربستان قرار گیرد. از آنجایی که قدرتمندترین و تاثیرگذارترین کشورهای منطقه، ایران و عربستان هستند که هم از اقدامات جهانی تاثیر پذیرفته و هم بر تحولات بین‌المللی تاثیر می‌گذارند. لزوم بازبینی و بررسی روابط این دو کشور حائز اهمیت است. در این راستا و با توجه به سوال اصلی پژوهش یعنی: عوامل پیشران در راهبردهای دستگاه دیپلماسی ایران در قبال کشور عربستان در دهه ۹۰ چیست؟ تلاش شد از دو منظر مراجعه به اسناد و مدارک و همچنین اخذ نظر کارشناسان به این سوال پاسخ داده شود. روابط ایران و عربستان طی سال‌های اخیر بنا بر عواملی که عمدتاً از چالش‌های منطقه‌ای سر بر آورده، دچار چالش‌های بی‌سابقه‌ای شده است. این سردی روابط که از اواسط دولت نهم به وجود آمده است، رفته رفته با پیچیده‌تر شدن معادلات میان این دو کشور به سمت تنش و پس از آن وارد مرحله‌ای بحرانی گردید.

این امر پس از به نتیجه رسیدن مذاکرات هسته‌ای، حادثه دلخراش منا و همچنین پیوند خوردن آن به اعدام شیخ نمر و واقعه غیر منتظره حمله به سفارت عربستان، سبب شد تا در طول این مدت هر روز شاهد تنش بین ایران و عربستان باشیم؛ به گونه‌ای که هر یک از طرفین، دیگری را مسبب تیره شدن روابط و همچنین بحران‌های موجود در منطقه می‌داند.

جمهوری اسلامی ایران معتقد است که تحرکات عربستان سبب ناآرامی منطقه از سوریه تا یمن شده است. حتی آنها متهم به دخالت در امور داخلی ایران و دست داشتن در حملات تروریستی تهران در سال ۱۳۹۶ هستند. ایران مدعی است که عربستان به واسطه کارنامه سیاه حمایت از تروریسم و نقش شهروندان این کشور در حملات تروریستی یازده سپتامبر نشان داده که این کشور از ابزار تروریسم برای رسیدن به مقاصد خود غافل نیست. از سوی دیگر سعودی‌ها ضمن همکاری و همدستی با آمریکا،

شعار حمایت ایران از تروریسم را سر داده و مدعی هستند که ایران ضمن دخالت در امور کشورهای عربی منطقه، در مسائلی همچون سوریه، یمن و عراق سبب بروز بحران و ناآرامی در منطقه شده است. در پاسخ به سوال اصلی پژوهش باید گفت که فرضیه پیش‌بینی شده کاملاً مورد تایید می‌باشد، چرا که در فرایند پژوهش اشاره شد که باید به عوامل موثر در دستگاه دیپلماسی از دو منظر یعنی نگاه ایران به خود و روابط منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای و از سوی دیگر به نگاه عربستان و خط مشی آن کشور به خود و رفتار سیاسی در فضای منطقه‌ای و جهانی نگرست. در این بین تلاش دو کشور به‌خصوص برای توسعه نفوذ و تفوق در منطقه، مهم‌ترین علت تنش و بی‌ثباتی منطقه‌ای در روابط ایران و عربستان بوده است؛ هر چند نقش سایر عوامل ذکر شده در پژوهش را نباید دست‌کم گرفت.

از سوی دیگر با توجه به رویکرد تعامل‌گرایانه دولت روحانی در عرصه سیاست خارجی، اینکه دیپلماسی این دولت در قبال عربستان مبتنی بر تنش‌زدایی و ایجاد روابط دوستانه بوده، نیز مورد تایید است چرا که محور و ماهیت وجودی دولت ایشان بر گسترش تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی و اتخاذ اعتدال در سیاست داخلی و خارجی بنا شده بود.

آنچه مسلم است اتخاذ سیاست تقابل و ستیز از سوی طرفین بر خلاف منافع ملی یکدیگر و به نفع دشمنان واقعی دو کشور همچون اسرائیل خواهد بود، در صورتی که اتخاذ سیاست تعامل و همزیستی، می‌تواند بازدارندگی را تقویت و بر بنیان مذاکره و پیمان در مسیری تعریف شده، تهدیدات را تقلیل و زمینه‌های همکاری را هموار و شرایطی که بر بنیان منافی دو و یا چند جانبه باشد، صلح و همکاری به کالایی مطلوب برای شرکاء تبدیل خواهد شد که در این صورت می‌توان تصور کرد نظیر جامعه اروپا و... پیوندی پر تعداد و در هم تنیدگی منافع و به صرفه بودن همزیستی، زمینه‌های بروز جنگ را کور و یا به شدت تقلیل خواهد داد و منابع درگیر در آفند و پدافند عمدتاً در مسیر توسعه و رفاه کشور هزینه خواهد شد.

فهرست منابع

منابع فارسی

- ۱- ازغندی، علیرضا و مهدی آقاعلیخانی (۱۳۹۲)، «بررسی عوامل منطقه‌ای واگرایی در روابط ایران و عربستان»، فصلنامه سیاست، شماره ۴۳ (۲).
- ۲- اسدی، علی‌اکبر (۱۳۹۸)، «نقش عربستان سعودی در امنیتی‌سازی ایران: راهبرد جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۲۲ (۳)، پاییز.

- ۳- آشنا، حسام‌الدین و نادر جعفری هفتخوانی (۱۳۸۶)، «دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی؛ پیوندها و اهداف»، فصلنامه دانش سیاسی، شماره ۵.
- ۴- بازاریار، احمد (۱۳۹۶)، «بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره روحانی در قبال کشورهای منطقه با تاکید بر عربستان»، مقاله ارائه شده در اولین کنفرانس ملی حقوق و علوم سیاسی، ۲۸ بهمن.
- ۵- بصیری، محمدعلی و حمید احمدی‌نژاد (۱۳۹۶)، «تبیین دیپلماسی فرهنگی سید محمد خاتمی و محمود احمدی‌نژاد در نظام بین‌الملل»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۷ (۴۶)، تابستان.
- ۶- بوچر، مایکل (۱۳۸۲)، بحران در سیاست جهان: تحلیل سیستمی، ترجمه حیدرعلی بلوچی، جلد ۲، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۷- پارسونز، واین و جری وین (۱۳۹۲)، مبانی سیاست‌گذاری عمومی و تحلیل سیاست‌ها، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۸- جعفری، انوش و ابراهیم عاطف (۱۳۹۴)، «دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، کنفرانس ملی چارسوی علوم انسانی، بهمن ماه، شیراز.
- ۹- جلال‌پور، شهره؛ محمد فلاح و فاطمه محمودزاده (۱۳۹۹)، متغیرهای تأثیرگذار بر واگرایی روابط ایران و پاکستان، فصلنامه پژوهش ملل، شماره ۵۶، صص ۲۹-۷.
- ۱۰- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: نشر پایلی.
- ۱۱- حجازی، سیدحسن (۱۳۸۷)، «ظرفیت‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی در مقابله با تهدیدات نرم آمریکا»، گزارش جمهور (مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری) ضمیمه فصلنامه تخصصی‌نامه دولت اسلامی، شماره ۲۷، ۲۶، فروردین، صص ۱-۲۹.
- ۱۲- خسروی باب اناری، ملک تاج (۱۳۹۶)، «رویکرد سیاست خارجی دولت یازدهم نسبت به نظم و امنیت منطقه خاورمیانه»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال ۱۰، شماره ۳۹، پاییز.
- ۱۳- دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۳)، «جایگاه قدرت نرم در انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه حوزه، شماره ۵۷، تابستان.
- ۱۴- دهقانی‌فیروزآبادی، جلال و فیروزه رادفر (۱۳۸۸)، «مسائل سیاسی ایران، مجله دانش سیاسی، سال ۵، شماره ۱۰.
- ۱۵- زارعی، بهادر و سجاد نجفی (۱۳۹۹)، «تبیین سناریوهای محتمل پیش رو در روابط ایران و عربستان در بازه زمانی ۱۴۰۸»، مطالعات سیاسی جهان اسلام، شماره ۳۴، تابستان.
- ۱۶- سرزعی، علی (۱۴۰۲)، «مروری بر سیاست‌های اقتصادی دولت ایران برای مقابله با تحریم‌های دوره ترامپ»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال ۳۰، شماره ۱، بهار.
- ۱۷- صادقی‌اول، هادی و همکاران (۱۳۹۴)، «تحلیل روابط ایران و عربستان از منظر نظریه واقع‌گرایی انگیزشی ۱۳۹۴-۱۳۸۴»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد واحد شهرضا، شماره ۲۵، زمستان.
- ۱۸- عالیشاهی، عبدالرضا و یونس فروزان (۱۳۹۸)، «ماهیت راهبردهای تهاجمی ترامپ در برابر ایران، ریشه‌ها و پیامدهای امنیتی و نظامی»، نشریه علمی سیاست دفاعی، سال ۲۷، شماره ۱۰۶، بهار.

- ۱۹- علایی، حسین (۱۳۹۷)، «بررسی رویکردهای سیاسی و رقابت‌جویانه ایران و عربستان و ساز و کارهای مهار دشمنی‌ها»، پژوهشنامه علوم سیاسی، دوره ۱۴، شماره .
- ۲۰- فولادی، مسعود (۱۳۹۷)، «نقش بحران آب در سیاست خارجی کشورهای آسیای مرکزی - همگرایی یا واگرایی»، مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، سال ۱، شماره ۳، مرداد.
- ۲۱- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۰)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت، چاپ ۸.
- ۲۲- کرمی، کامران (۱۴۰۱)، «مسئله‌ها و بایسته‌های استراتژیک عربستان در سال ۲۰۲۳»، فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه، سال ۲۹، شماره ۴.
- ۲۳- کریمی‌فرد، حسین (۱۳۹۸)، «سیاست تنش‌زدایی روحانی در قبال آمریکا؛ اهداف و موانع»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۹، شماره ۱، بهار.
- ۲۴- محدث، علیرضا (۱۳۹۵)، «سیاست پسا برجام دولت اوپاما در قبال عربستان»، سومین کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی و روانشناسی و علوم اجتماعی، ۱۹ تیرماه، برلین - آلمان.
- ۲۵- ملکی، محمدرضا و انسیه راز قندی (۱۳۹۰)، «دیپلماسی عمومی دولت احمدی‌نژاد: بازی در سطح خرد در خاورمیانه»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۱۶.
- ۲۶- نویدی‌نیا، فرزاد و مهناز گودرزی (۱۳۹۸)، «جایگاه منطقه‌ای ایران و عربستان در دوره پسا داعش»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، دوره ۱۰، شماره ۱.
- ۲۷- وحید، مجید (۱۳۹۵)، سیاست‌گذاری عمومی، تهران: نشر میزان، چاپ اول.

منابع غیرفارسی

- ۱- Ackerman, H. (2013). Symptoms of Cold Warfare between Saudi Arabia and Iran: Part 1 of 3. Journalism and Political Science, 16(17).
- ۲- Alcaro, Riccardo. (2018). Trump's Iran Policy and Europe's Choice on the Nuclear Deal. Istituto Affari Internazionali (IAI), p. 14.
- ۳- Al-Rasheed, Madawi. (2018). Saudi Domestic Uncertainties and the Rivalry with Iran. LSE Middle East Centre.
- ۴- Cobb, R., & Elder, D. (1984). The Politics of Agenda-Building: An Alternative Perspective for Modern Democratic Theory. The Journal of Politics, 90, 892-915.
- ۵- Cordesman, Anthony H. (2018). The Arab Gulf States and Iran: Military Spending, Modernization, and the Shifting Military Balance. Centre for Strategic and International Studies.
- ۶- Farouk, Yasmine. (2019). Saudi Arabia Has Room to Maneuver After the Oil Attack. Carnegie Endowment for International Peace.
- ۷- Malekmohammadi, H. (2015). Basics and Principles of Public Policy Making. Samt publication, Tehran, pp. 44-45.
- ۸- Palumbo, D. (2003). Models of Policy-Making. Encyclopedia of Government and Politics (Vol. 2). London: Routledge.
- ۹- Shafritz, J., & Borick, CH. (2012). Introduction to Public Policy. I.S.U Press, Tehran, pp. 131-135 & 283-290.

- ^{۱۰} - Tausch, A. (2015). The Political Algebra of Global Value Change: General Models and Implications for the Muslim World. With Almas Heshmati and Hichem Karoui (1st ed.). Nova Science Publishers, New York, p. 3.
- ^{۱۱} - Vahid, M. (2005). Public Policy. Tehran, Mizan publication, pp. 23-24, 73-83, and 91-98.

